

بررسی عوامل مؤثر بر میزان تجربه مزاحمت خیابانی

(مطالعه موردی: زنان ۱۸ تا ۳۵ سال شهرستان همدان)

داوود دعاگویان^۱، مصطفی زارعی^۲، علی اسکندری^۳

چکیده:

هدف کلی این پژوهش بررسی، توصیف، تفسیر و درک زنان نسبت به علل بزه دیدگی و قربانی شدن زنان در فضاهای شهری است. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه زنان بین ۱۸ تا ۳۵ سال هستند که بر اساس فرمول کوکران (۳۲۶) خانم به عنوان نمونه انتخاب شد. در طراحی پرسشنامه از پرسشنامه‌های استاندارد مزاحمت جنسی (فرچایلد، ۲۰۰۷؛ لرد، ۲۰۰۹) استفاده شده است. از آلفای کرونباخ نیز به منظور به دست آوردن روایی تحقیق استفاده شده است که آلفای کرونباخ برای طیف میزان تجربه مزاحمت خیابانی در سطح ۸۵/ است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله تحلیل واریانس، آزمون F و آزمون T و همچنین آزمون ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفته است. طبق یافته‌های تحقیق بین نوع آرایش، نوع پوشش، نابسامانی محل سکونت و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد؛ همچنین بر اساس نتایج تحقیق بین حضور پلیس در سطح شهر و مزاحمت جنسی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. مسأله بعدی بررسی رابطه بین وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، سن و میزان تجربه مزاحمت جنسی زنان است که خروجی تحلیل آماری رابطه معناداری را بین افراد متأهل و مجرد متصور نیست. بنابراین، می‌توان گفت که تجربه مزاحمت خیابانی در خانم‌ها ربطی به وضعیت تأهل و تحصیلات و سن آن‌ها ندارد.

واژه‌های کلیدی: مزاحمت خیابانی، خشونت جنسی، پوشش، آرایش

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی گروه علوم اجتماعی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیشگیری اجتماعی (نویسنده مسؤول sarvanali214@gmail.com)

۳. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی

مقدمه

قربانی شدن و آزار زنان توسط مردان یکی از تبعات نابرابری بین زن و مرد است که عوارض ناشی از آن مشکلات فراوانی برای جامعه ایجاد می‌کند. یکی از آزارها و اذیت‌هایی که زنان در جوامع مختلف به اشکال متفاوت با آن مواجه هستند، مزاحمت خیابانی است. این نوع مزاحمت به «مزاحمت غریبه‌ها»، «مزاحمت در عرصه عمومی» و «مزاحمت جنسی» معروف است. بر اساس تعریف گاردنر مزاحمت‌های خیابانی، رفتارهای کلامی و غیرکلامی دارای ماهیت جنسی (مانند توهین کردن، کنایه زدن، فریاد کشیدن، نوازش کردن، خیره شدن و...) را شامل می‌شوند که معمولاً توسط مردهای غریبه در مکان‌های عمومی یا نیمه عمومی نسبت به زنان اعمال می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را بر اساس سن، قومیت یا طبقه اجتماعی پیش‌بینی کرد.

حال، یکی از اشکال خشونت جنسی که در قانون آمده، عبارت است از «مزاحمت برای بانوان و دختران به آن مزاحمت جنسی نیز اطلاق می‌گردد». زنان هر روزه با تروریسم به شکل مزاحمت جنسی در خیابان که به مزاحمت خیابانی مشهور است، مواجه‌اند. شمار معدودی از زنان در برخی اماکن و بعضی اوقات از مزاحمت خیابانی نگرانی نداشته‌اند، اما کم‌تر می‌توان زنی را یافت که از این‌گونه تروریسم پرهیز نکند. مزاحمت خیابانی با رشد روزافزون، روابط فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد دامنه مزاحمت‌ها تنها به مشکلات روحی و روانی محدود نمی‌شود، بلکه از دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اهمیت طرح این موضوع بیشتر از آن‌رو است که زنان آسیب‌دیده از این مزاحمت‌ها چنان سرخورده و منفعل می‌شوند که در برخی مواقع برای مقابله با عواقب آن حضور اجتماعی خود را محدود می‌کنند (نادری، ۱۳۸۵). مزاحمت خیابانی نیز در نبود پیگردهای قانونی و مانعی خاص بر عمل ناشایست خود اصرار می‌ورزند و در بعضی اوقات، کار صرفاً از فراهم آوردن یک مزاحمت خیابانی،

گفتن چند کلامی به عنوان متلک و غیره فراتر می‌رود (قیصری، ۱۳۸۹). در واقع، اگر امروزه در شهرهای بزرگ انواع آزارهای خیابانی صورت می‌گیرد و گاه پاسخ مناسبی از مردم دریافت نمی‌شود ناشی از بی‌توجهی اجتماعی در برابر منحرفان است. بی‌توجهی به این مسأله، قباحت اجتماعی آن را زایل می‌کند و تهدیدی است جدی برای کسب ارزش‌های اخلاقی نوجوانان و چه بسا افراد سالم را هم به انحراف بکشانند و کم‌کم بنیان خانواده را دچار اختلال کند (ابوذری، ۱۳۸۹: ۷۰). در این مقاله نگاهی داریم به این معضل اجتماعی که بخش اعظم افراد جامعه هرروز به نحوی با آن سروکار دارند و به سراغ این می‌رویم که چه عواملی می‌تواند بازدارنده باشد و برخی از زمینه‌ها و انگیزه‌های مزاحمت‌های خیابانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مزاحمت خیابانی بخشی از تجربه اجتماعی بسیاری از دختران و زنان جامعه ما شده است، موضوعی که مربوط به زمان، مکان و افراد خاصی هم نمی‌شود و تا دلتان بخواهد، انواع و اقسام مختلف دارد. از متلک‌پرانی‌های کوچک‌بازاری و تنه زنی گرفته تا ترمز زدن با ماشین جلوی پای دختران، بوق زدن، تعقیب و گریز و حتی قمه کشیدن در خیابان و... که هر کدام با شدت و ضعفی در زمره مجموعه مزاحمت‌ها جای می‌گیرد.

بر اساس آخرین تحقیقاتی که توسط یک مرکز تحقیقاتی خصوصی انجام شده است، هر زن یا دختری در جوامع شهری در ایران به میزان مسافتی که طی می‌کند یا مدت زمان حضورش در سطح خیابان‌ها، در هر تردد شهری، بین یک تا ۲۰ بار به لحاظ مزاحمت‌های کلامی، فیزیکی و چشمی (نگاه نامناسب و آزاردهنده) از سوی برخی مردان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. ایران به عنوان یک کشور اسلامی از هنجارها و قواعد سنتی سختی برخوردار است که افراد جامعه به‌ویژه زنان باید از

آن‌ها تبعیت کنند. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر بسیاری از عناصر مدرنیته از طرق مختلف به‌ویژه رسانه‌ها وارد ایران شده‌اند و سبک زندگی اجتماعی را تغییر داده‌اند و نوعی دوگانگی و عدم تعادل در جامعه به وجود آورده‌اند. از این رو بسیاری از زنان که قواعد سنتی مربوط به نوع پوشش، زمان، میزان حضور و شیوه رفتار در اماکن عمومی را رعایت نمی‌کنند، مورد مزاحمت قرار می‌گیرند و از سوی جامعه نیز مقصر و مستحق این نوع آزارها قلمداد می‌شوند (ذکایی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

بدون تردید، باید گفت یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی و عواقب نابه‌نجار این پدیده می‌تواند این باشد که به‌نوعی تعهد، تفاهم، موارد اخلاقی، عرفی، شرعی، دینی و مذهبی عموم افراد به‌خصوص دختران و زنان جوان هدف قرار گرفته و اگر با این رویه برخورد مناسب صورت نگیرد، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره زنان این سرزمین و در یک کلام ایران اسلامی وارد سازد. این واقعیتی ملموس است که باید به آن بیش از پیش پرداخت. همه ما می‌دانیم که استان همدان سرزمینی با فرهنگ و تمدن چندین هزارساله است؛ اعتقادات، باورها، عقاید و معنویات ما به‌هیچ‌وجه چنین رفتار ناشایستی را نمی‌تواند بپذیرد و کنار آمدن با آن و عبور کردن از کنار آن نباید به همین سادگی‌ها ما را به ناکجا آباد ببرد. پس اندکی زودتر باید به فکر راه‌حل و راهکاری مناسب باشیم. مزاحمت خیابانی یکی از اشکال ممنوع تبعیض جنسی علیه زنان است که عرصه عمومی را به محیطی ناامن و نامطلوب برای فعالیت اجتماعی آنان تبدیل می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر درصدد ارائه پاسخی درخور به سؤال: چه عواملی باعث افزایش مزاحمت برای زنان در معابر و خیابان‌ها می‌شود؟ جلوگیری از مزاحمت خیابانی یکی از اهداف اصلی و اولویت‌دار استان است. ایجاد مزاحمت در خیابان‌ها و معابر عمومی باعث به وجود آمدن ناهنجاری در استان و تهدیدی علیه آرامش روحی و روانی مردم شده است. مزاحمت‌های خیابانی

بخشی از خشونت علیه زنان است که دلایل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی دارد. به لحاظ اخلاقی جامعه ایران دچار بد اخلاقی و کم اخلاقی شده است و تجاوز به حریم دیگران در جامعه ما صورت می‌گیرد این تجاوز به حریم منحصر به زنان نیست. متأسفانه، از قرن بیست و یکم فقط رهاوردهای منفی و نگران‌کننده‌اش حاصل این جامعه شده و بسی جای تأسف دارد که روزه‌روز هم شاهد پیدایش و نیز گسترش یک آسیب اجتماعی دیگر در جامعه و در سطح استان و کشورمان بوده و هستیم. به جرات می‌توانیم به این موضوع اشاره کنیم که هم اینک پدیده مزاحمت‌های خیابانی، به‌ویژه برای دختران و زنان به اندازه‌ای در سطح جامعه شیوع پیدا کرده است که از جمله مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مباحث عمده در سطوح آسیب‌شناسی اجتماعی است و از سوی کارشناسان مطرح شده و می‌شود. مزاحمت خیابانی یکی از اولویت‌های استان است و باعث شده تا آمار مربوط به مزاحمت خیابانی در چند ماه اخیر نسبت به مدت مشابه افزایش چشمگیر ۳۰ درصدی داشته است. به همین منظور، جهت پیشگیری از ایجاد مزاحمت برای زنان و کاهش این وضعیت، در این پژوهش، به دنبال بررسی علل و عوامل افزایش ایجاد مزاحمت در بین زنان هستیم.

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش بررسی، توصیف، تفسیر و درک زنان نسبت به علل بزه دیدگی و قربانی شدن زنان در فضاهای شهری است. مصاحبه‌های عمیق با این نیت صورت پذیرفته تا به اهداف زیر دست یابد:

- درک تجربیات زنان از بزه دیدگی در فضاهای شهری
- درک بهتر عوامل اجتماعی مرتبط با رویداد مزاحمت جنسی

- بررسی علل بزه دیدگی زنان بر اساس روایت خودشان

- شناخت راهکارهایی برای پیشگیری از بزه دیدگی

مسائل اجتماعی، به‌عنوان وضعیتی نامطلوب، بی‌عدالتی، خطرناک و تهاجمی و یا حتی در بعضی موارد عامل تهدید برای آرامش و یکپارچگی جامعه تلقی می‌گردد (پانديس، ۱۹۲۶، ۳۲۰).

سیرایت میلز^۱ بر این عقیده است که یک مسأله عام، یک موضوع عمومی است و زمانی پدید می‌آید که مردم یک جامعه متوجه می‌شوند که ارزش‌های اجتماعی آنان نادیده گرفته شده یا به کلی مورد تهدید قرار گرفته است.

انواع مزاحمت جنسی

مزاحمت جنسی را می‌توان از منظر نوع رفتار مرتکب و نیز کیفیت ارتباط مرتکب و بزه دیده به دسته‌های مختلفی تقسیم نمود که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نوع رفتار مرتکب

مزاحمت جنسی طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود؛ اما در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به سه دسته کلامی (گفتاری)، غیرکلامی و تعرض فیزیکی (جسمانی) تقسیم نمود (صادقی فسایی و رجب لاریجانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

مزاحمت کلامی

مزاحمت‌های جنسی کلامی شایع‌ترین انواع بوده و طیف گسترده‌ای از رفتارها شامل انواع متلک‌پرانی‌ها، به‌کارگیری الفاظ رکیک، پیشنهادهای جنسی، اظهارنظر در مورد ظاهر و پوشش فرد، شوخی‌های جنسی یا بیان طنزهای جنسی را شامل می‌شود.

مزاحمت غیرکلامی

اصرار به سوار اتومبیل شدن، چشم‌چرانی، چشمک زدن، فرستادن نامه، یادداشت و پیام الکترونیکی یا تصاویر جنسی و تعقیب فرد در اماکن خلوت، نمونه‌های مزاحمت غیرکلامی است.

تعرض فیزیکی

تعرض فیزیکی شامل لمس اعضای بدن، سد کردن راه شخص و ممانعت از عبور وی و برخورد جنسی به زور و نظایر آن می‌شود.

کیفیت ارتباط مرتکب و بزه دیده

از منظر کیفیت ارتباط مرتکب و بزه دیده می‌توان مزاحمت‌های جنسی را به دو دسته مزاحمت‌های بدون شناخت قبلی و مزاحمت‌های مبتنی بر شناخت قبلی تقسیم نمود: مزاحمت‌های بدون شناخت قبلی

در این نوع مزاحمت، مرتکب شناخت قبلی از بزه دیده نداشته و مزاحمت جنبه موردی و اتفاقی دارد. مرتکب معمولاً در خیابان و مکان‌های عمومی در مواجهه با بزه دیده مزاحمت خود را انجام می‌دهد. چون این نوع مزاحمت جنبه اتفاقی دارد، معمولاً از ناحیه بزه‌کار نسبت به یک بزه دیده به خصوص به صورت مکرر انجام نمی‌شود.

مزاحمت‌های مبتنی بر شناخت قبلی در این نوع مزاحمت، مرتکب معمولاً در محیط کار و نظایر آن ارتباط و تعاملات پیوسته‌ای با سوژه داشته و به دلایل مختلفی چون کنترل و یا استیلا یافتن بر وی، انتقام‌گیری، متقاعد ساختن وی جهت برقراری رابطه جنسی، جلب رضایت وی برای ازدواج، ممانعت از ازدواج وی با شخص دیگر و نظایر آن، بزه دیده را تحت فشار قرار می‌دهد. این نوع مزاحمت معمولاً جنبه مستمر پیدا می‌کند.

نظریه نابسامانی و بی‌سازمانی اجتماعی درصدد است تا نشان دهد که مسائل اجتماعی از قبیل انحرافات، جرائم و انواع بزهکاری، نه فقط از برخی افراد کج‌رو و منحرف، بلکه از ساخت و طبیعت جامعه برمی‌خیزد. صاحبان این نظریه، بی‌سازمانی اجتماعی را به‌عنوان کاهش تأثیر مقررات اجتماعی موجود روی افراد عضو گروه تعریف نموده‌اند. این نظریه زمانی ظهور کرد که صنعت و شهرنشینی تغییر زیادی در جامعه آمریکا ایجاد نمود. مردم از روستاها به شهرهایی که به‌سرعت در حال رشد بود، منتقل شدند. اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی تغییر یافت و امواج مهاجرت از اروپا هزاران بیگانه را که اغلب بیکار و بی‌بضاعت بودند، به سواحل آمریکا گسیل داشت.

نظریه نظم اجتماعی^۱

چلبی معتقد است در صورتی که به هر دلیل روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق افراد به جمع سست شود، به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. در بعد حمایت اجتماعی، کاهش چگالی و فراوانی روابط حمایتی بین گروهی رامی‌توان نوعی اختلال رابطه‌ها تلقی نمود. منظور از روابط حمایتی اجتماعی، روابط و مبادلات نامتقارن گرم در شئون گوناگون زندگی اجتماعی است. اختلال رابطه‌ای، افراد را در مقابل شداید اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد. عدم امکان ارتباط منطقی و مشروع در سطوح جامعه منجر به احساس بی‌یاوری و عجز می‌شود که این امر زمینه‌مناسبی برای احساس ناامنی و ترس فراهم می‌سازد.

نظریه کنترل اجتماعی^۲

1. Theories of Social order
2. Theories of Social control

در باب نظریه‌های جامعه‌شناسی کنترل اجتماعی، والتر کلس و همکارانش بر این باورند که در برخی از بخش‌های جامعه بسیاری از مردم منحرف هستند، این معنی که کنترل خارجی برای مقابله با انگیزه رفتار انحرافی به اندازه کافی نیرومند نیست. هم‌چنین، آن‌ها علل زیرساز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را احساس امنیت اقشار جامعه می‌دانند و بر این باورند که رفتارهای معطوف به احساس ایمنی بیش‌تر زاییده امنیت، محیط‌های زندگی است (۲۰۰۴، شیرازیان).

زیگموند فروید^۱ و دیوید رایزمن^۲ معتقدند که انسان‌ها دارای سیستم کنترل درونی هستند که انسان‌ها را از کارهای نامشروع بازمی‌دارند.

یکی از مهم‌ترین این عوامل، مذهب است. اگر پایبندی‌های مذهبی اعضای یک جامعه قوی باشد، انسان‌ها کم‌تر به سوی کارهای نامشروع خواهند رفت و خود را به‌طور درونی کنترل خواهند نمود.

تاکنون مطالعات محدودی در خصوص مزاحمت‌های خیابانی در ایران صورت گرفته است. نتایج مطالعه‌ای که نشریه اینترنتی زمستان (۱۳۸۵) به انجام رساند حاکی از آن بود که مزاحمت توسط اتومبیل‌های شخصی (۹۲ درصد)، مزاحمت کلامی (۹۰ درصد)، مزاحمت لمسی (۷۵ درصد) و مزاحمت لمسی در وسایل نقلیه (۶۳ درصد) به ترتیب دارای بیشترین فراوانی بودند. یافته‌های دیگر این مطالعه نشان داد احساس و واکنش زنان نسبت به مزاحمت‌ها، ارتباط مستقیمی به موقعیت مزاحمت و شرایط قربانی دارد. تنها بودن قربانی در موقعیت مزاحمت، انزجار و ترس وی را در پی دارد و داشتن همراه در موقعیت مزاحمت از میزان هراس وی می‌کاهد. واکنش آنان به مزاحمت نیز با توجه به میزان جدی و پرخطر بودن مزاحمت و تصور نسبت به

1. Sigmund Freud

2. David Reisman

پیامدهای واکنش هم چون قضاوت دیگران در خصوص مقصر بودن قربانی» تعیین می شود.

پژوهشی توسط (محمدتقی ایمان، ۱۳۹۰) با عنوان زنان، مزاحمت و واکنش؛ بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن‌که در بین دختران دانشجوی دانشگاه شیراز اجرا شد، به روش ترکیبی با استفاده از طرح اکتشافی (کیفی، کمی) برای این منظور انجام شده است. در بخش کیفی پژوهش موضوع تحقیق از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۶ مشارکت‌کننده مورد اکتشاف قرار گرفت تا به این وسیله پژوهشگران به معانی ذهنی، تجربیات و دیدگاه‌های افراد مورد مطالعه نزدیک گردند. سپس یافته‌های بخش کیفی، محققین را در انتخاب چشم‌انداز نظری و طراحی ابزار پرسش‌نامه بخش کمی ۳۶۹ نمونه یاری نمود. بر اساس نتایج مصاحبه‌های کیفی، یک طبقه‌بندی از انواع مزاحمت‌های خیابانی در عرصه عمومی در قالب ۴ مؤلفه مزاحمت‌های بصری، کلامی، تعقیبی و لمسی به دست آمد. بر اساس اظهارات پاسخ‌گویان بخش کمی، مزاحمت‌های بصری بیشترین شیوع را دارند و پس از آن به ترتیب مزاحمت‌های کلامی، لمسی و تعقیبی قرار دارند. هم‌چنین درباره واکنش پاسخ‌گویان نسبت به مزاحمت‌ها، یافته‌های بخش کمی حاکی از این است که بیشتر پاسخ‌گویان حدود ۷۰ درصد به مزاحمت‌ها پاسخ منفعلانه می دهند. بدین معنا که بیشتر آن‌ها ترجیح می دهند که در برابر مزاحمت‌ها سکوت اختیار کنند که این یافته نیز با نتایج مصاحبه‌های کیفی منطبق بود.

(بومن^۱) می نویسد: دلیل نادیده انگاشتن مزاحمت از سوی زنان می تواند این باشد که آن‌ها نمی خواهند به بی قدرتی خود در چنین موقعیت‌هایی اعتراف کنند، از برخورد فیزیکی می ترسند، یا از این‌که توجه دیگران را به خود جلب کنند و مورد سرزنش

1. Bowman

قرار گیرند، واهمه دارند. در بعضی مواقع آن‌ها واقعاً آزرده می‌شوند، اما نمی‌خواهند با واکنشی که نشان می‌دهند فرد مزاحم را بیشتر تشویق کنند یا این‌که با چنین رفتار تحقیرآمیزی دستپاچه می‌شوند؛ آن‌ها سرد رفتار می‌کنند؛ صورت خود را بی‌حالت و بدون احساس نگه می‌دارند و سعی می‌کنند وانمود کنند که چیزی رخ نداده است. هنگامی که زنان در این موقعیت‌ها تجاها می‌کنند تا احساس خشم، حقارت و ترس خود را مخفی کنند به آن‌ها لطمه روانی‌ای وارد می‌شود که ناشی از فشار عاطفی و احساس بی‌قدرتی است. از سوی دیگر، تحقیقی که درباره قربانیان تجاوز جنسی انجام شده است به این نتیجه دست یافته است.

(کرل، ۲۰۱۱) در مقاله خود، مزاحمت‌های خیابانی برای زنان را یکی از مهم‌ترین معضلات زنان در سراسر جهان می‌داند. مزاحمت‌هایی نظیر سوت زدن، متلک‌پرانی، دست‌درازی و حتی رفتارهای گستاخانه‌تری که زنان در مکان‌های عمومی همواره در معرض مواجهه با آن هستند. به گفته کرل، بیش از ۸۰ درصد از زنان مصاحبه شده در کشورهای کانادا و مصر و ۱۰۰ درصد از زنانی که در ایالات متحده مورد پرسش واقع شده‌اند، گفته‌اند که در خیابان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. در کشور یمن این رقم بیش از ۹۰ درصد اعلام شده، حتی زنان متواضع و محجبه نیز از مزاحمت‌های خیابانی در امان نبوده‌اند.

سوالات/فرضیه‌ها

۱. بین سن و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
۲. بین وضعیت تأهل و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان تحصیلات و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
۴. بین نوع پوشش و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

۵. بین نوع آرایش و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
۶. بین محل سکونت و مزاحمت خیابانی رابطه وجود دارد.
۷. بین عملکرد پلیس و دستگاه‌های قضا با میزان مزاحمت خیابانی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. این پیمایش به صورت مقطعی یعنی در یک نقطه زمانی خاص انجام گرفته است. در این مطالعه جامعه آماری کلیه زنان بین ۱۸ تا ۳۵ سال هستند. انتخاب این گروه سنی با این فرض صورت پذیرفته که معمولاً این گروه بیشتر از سایر گروه‌های سنی در فضای شهری تردد داشته و احتمال بزه دیدگی آنها نسبت به سایر گروه‌های سنی زنان بیشتر است. نمونه آماری از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی در مکان‌های عمومی انتخاب شده‌اند حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران که تعداد ۳۲۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این راستا، تلاش گردید تا برای به رسانی تنوع مشارکت‌کنندگان در سنین مختلف با ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی متفاوت و هم‌چنین با پوشش‌های مختلف از قبیل پوشش‌های مطابق مد روز، ساده، چادری برگزیده شوند. در طراحی پرسشنامه از پرسشنامه‌های استاندارد مزاحمت جنسی (فرچایلد، ۲۰۰۷؛ لرد، ۲۰۰۹) استفاده شده است. از آلفای کرونباخ به منظور به دست آوردن روایی تحقیق استفاده شده است. آلفای کرونباخ برای طیف میزان تجربه مزاحمت خیابانی در سطح ۸۵/ است. اطلاعات موجود در پرسشنامه پس از گردآوری و انتقال به کامپیوتر، با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای تحلیل رابطه بین متغیرهای مستقل، واسطه، وابسته به وسیله تحلیل واریانس، آزمون و آزمون T و همچنین آزمون ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفته است.

همچنین، آزمون مدل ساختاری تحقیق به وسیله تحلیل مسیر با استفاده از رگرسیون چند متغیره گام به گام صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

فن مورد استفاده ما در این تحقیق، پیمایش بوده که با توجه به فرضیات و همچنین سؤالات زمینه‌ای، پرسشنامه طراحی گردید. جامعه آماری ما کلیه زنان بین ۱۸ تا ۳۵ سال در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ در شهر همدان بودند که بر اساس فرمول کوکران جمعیت نمونه (۳۲۶) نفر انتخاب شد.

بین سن و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

نام متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون	Sign
سن	۳۲۶	۰/۰۴۸	۰/۳۸

از آنجایی که هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشند، برای بررسی رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با در نظر گرفتن ضریب پیرسون ($r=0.48$) و سطح معناداری ($sig=0.38$)، رابطه معناداری در سطح ۹۵ درصد بین سن و مزاحمت خیابانی وجود ندارد و فرضیه ما رد می‌شود.

بین وضعیت تأهل و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

وضعیت تأهل	تعداد فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری
مجرد	۲۰۷	۴۳	۹/۰۲۷	/۹۵۹	/۶۸۴
متأهل	۱۱۹	۴۱	۹/۱۸۲		

از آنجایی که متغیر مستقل یک متغیر اسمی دو طبقه و متغیر وابسته فاصله‌ای است، برای بررسی رابطه بین آن‌ها از آزمون تفاوت میانگین T استفاده می‌کنیم. با توجه به مقدار (T= /۹۵۹) و سطح معناداری (sig= ۰/۶۸۴)، با سطح اطمینان ۹۹ درصد بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

بین میزان تحصیلات و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

نام متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون	Sign
تحصیلات	۳۲۶	۰/۰۳	۰/۷۳

ضریب همبستگی پیرسون (($r= /۰۱۷$) جهت مثبت و رابطه مستقیم بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار sig= /۷۳ رابطه معنی‌دار نیست؛ لذا فرضیه فوق تأیید نمی‌شود.

بین نوع پوشش و میزان تجربه مزاحمت خیابانی رابطه وجود دارد.

سطح معناداری	F	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	نوع پوشش
/۰۰۰	۱۵/۴۱	۷/۹۳	۲۶/۹۵	۹۱	چادر
		۸/۴۷	۲۸/۷۱	۴۷	مانتو بلند
		۸/۱۶	۳۳/۳۳	۱۳۵	مانتو معمولی
		۸/۳۹	۳۷/۵۶	۵۳	مانتو تنگ

بر اساس آمارهای جدول، میانگین تجربه مزاحمت جنسی پاسخگویان برحسب نوع پوشش آن‌ها متفاوت است. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های گروه‌های مختلف از نظر نوع پوشش، در تجربه مزاحمت جنسی بر اساس آزمون F با مقدار ۱۵/۴۱ و سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) معنادار است؛ لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

بین نوع آرایش و میزان تجربه مزاحمت خیابانی رابطه وجود دارد.

نوع آرایش	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F	سطح معناداری
بدون آرایش	۵۷	۲۷	۸/۰۸	۱۹/۸۰	/۰۰
آرایش ملایم	۱۰۱	۳۲	۸/۲۳		
آرایش متوسط	۱۲۷	۳۶	۷/۵۵		
آرایش غلیظ	۴۱	۵۰	۳/۰۵		

بر اساس جدول بالا، میانگین تجربه‌ای مزاحمت جنسی پاسخگویان برحسب نوع آرایش آن‌ها متفاوت است. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های گروه‌های مختلف از نوع آرایش، در تجربه مزاحمت جنسی بر اساس آزمون F با مقدار ۱۹/۸۰ و سطح معناداری ($\text{Sig} = ۰.۰۰$) معنادار است، لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

بین نابسامانی محل سکونت و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

نام متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون	Sign
محل سکونت	۳۲۶	۰/۱۱۳	/۰۲۷

ضریب همبستگی پیرسون ($r = ۱۱$) جهت مثبت و رابطه مستقیم بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار $\text{Sig} = ۰.۲۷$ رابطه معنادار است؛ لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

بین عملکرد پلیس و میزان تجربه مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

نام متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون	Sign
عملکرد پلیس	۳۲۶	-/۱۳۴	/۰۰۰

ضریب همبستگی پیرسون ($r=13/13$) جهت مثبت و رابطه مستقیم بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار $\text{sig}=0/000$ رابطه معنی دار است؛ لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

آزمون مدل ساختاری تحقیق

به منظور آزمودن مدل تجربی پژوهش حاضر از روش رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. لازم به ذکر است که ۲ متغیر نوع پوشش و نوع آرایش در سطح اسمی قرار داشتند و برای اینکه بتوان آن‌ها را وارد معادله رگرسیونی کرد، باید به صورت متغیر ساختگی وارد تحلیل می‌شدند. متغیرهای نوع پوشش و نوع آرایش که هر کدام ۴ شقی بودند که محقق ابتدا آن‌ها را با آزمون تکمیلی توکی مورد آزمایش قرار داد تا مشخص شود کدام نوع پوشش و آرایش باهم متفاوت هستند. در مورد نوع پوشش که در پرسشنامه دارای ۴ نوع چادر، مانتو بلند، مانتو معمولی و مانتو کوتاه بود پس از انجام آزمون تکمیلی توکی مشخص شد که از میان این ۴ نوع پوشش، ۲ نوع پوشش چادر و مانتو بلند باهم یکسان هستند و ۲ نوع مانتو معمولی و مانتو کوتاه نیز در یک گروه قرار می‌گیرند. بنابراین، متغیر پوشش با دو گروه وارد معادله رگرسیونی شد.

متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی برای تبیین متغیر مزاحمت

Sig	T	Beta	B	β^2R	R	متغیر	مراحل ورود متغیرها
/۰۰۰	۱۲/۷۴	/۵۵۳	۱/۱۹۲	/۳۰۴	/۵۵۳	نوع پوشش	اول
/۰۰۰	۷/۹۲	/۳۵۹	/۷۶۵	/۴۰۳	/۶۳۸	آرایش غلیظ	دوم
/۰۰۰	۵/۶۱	/۲۱۸	/۴۳۸	/۴۴۹	/۶۷۴	عملکرد پلیس	سوم

در این قسمت، تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بینی کننده بر اساس اهمیت آن‌ها در تبیین متغیر وابسته، وارد معادله می‌شوند. بنابراین، در رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام تا جایی متغیرها وارد معادله می‌شوند که دیگر کمکی به پیش‌بینی نکنند. جدول بالا نشان می‌دهد که از بین متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی برای تبیین تجربه مزاحمت خیابانی متغیرهای نوع پوشش، آرایش غلیظ، عملکرد پلیس در مرحله اول وارد معادله رگرسیونی شده است. جدول نشان می‌دهد که از مجموع متغیر مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی به شیوه گام به گام، ۳ متغیر، نوع پوشش (مانتو کوتاه)، آرایش غلیظ، عملکرد پلیس به ترتیب و برحسب اهمیت وارد معادله رگرسیونی شدند و سایر متغیرها (تحصیلات، سن، وضعیت تأهل و...) از معادله خارج شده‌اند. در نهایت، در این تحقیق در مرحله چهارم ۴۴٪ درصد واریانس متغیر وابسته تبیین شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مزاحمت خیابانی یکی از اشکال آشکار تبعیض جنسیتی است که در اکثر جوامع به غیر از روستاها و معدود جوامعی که زنان اجازه حضور در اماکن عمومی را ندارند، دیده می‌شود. در پاسخ به این سؤال که چرا بعضی زنان قربانی جرائم می‌شوند، دیدگاه‌های مختلفی مطرح است که می‌توان به ضعف سیستم کیفری و نبود یا ناکارآمدی قوانین حمایتی از زنان اشاره نمود. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، نوع رفتار و کنش اجتماعی زنان نظیر پوشش و سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی بعضی زنان زمینه‌های «جلب توجه» و «وسوسه» مجرمان را برانگیخته و آنان را نسبت به اعمال مجرمانه ترغیب می‌نماید که این مسأله معمولاً در کنار عدم جامعه‌پذیری مناسب و آموزش فرزندان در برقراری ارتباطات اجتماعی و نحوه حضور در جامعه و زندگی در شرایط نامساعد خانوادگی و به دنبال آن عدم نظارت و کنترل خانواده، زمینه افزایش نرخ بزه دیدگی را فراهم می‌نماید.

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر میزان تجربه مزاحمت خیابانی است. برای این منظور نوع پوشش و آرایش زنان به‌عنوان دو متغیری که تحت تأثیر عوامل فرهنگی است مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، تحصیلات، وضعیت تأهل، سن، محل سکونت، عملکرد پلیس و دستگاه قضا نیز به‌عنوان متغیرهای اجتماعی که بر میزان تجربه مزاحمت جنسی تأثیر می‌گذارند، مورد بررسی قرار گرفتند.

در این پژوهش، ۷ فرضیه مطرح شد که از این تعداد ۵ فرضیه تأیید و ۲ فرضیه رد شد. نوع پوشش، نوع آرایش ۲ متغیری بودند که به‌عنوان متغیرهای فرهنگی مؤثر بر میزان تجربه مزاحمت جنسی مورد بررسی قرار گرفتند، که رابطه هر ۲ متغیر معنی‌دار بود.

بین وضعیت ظاهری زنان و مزاحمت جنسی رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه با مطالعات دلاکوستا، شاهین، معیدفر و نادری همخوانی دارد. آن‌ها بر این باورند که خود زنان با وضعیت ظاهری‌شان، پیام‌هایی را به صورت ناخواسته و غیرمستقیم به مزاحمان می‌دهند و زمینه ایجاد مزاحمت را فراهم می‌کنند.

بین حضور پلیس در سطح شهر و مزاحمت جنسی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. این رابطه در زنان با نظریه ویلسون-کیلینگ همخوانی دارد. به عقیده ویلسون-کیلینگ در نظریه پنجره شکسته، حضور پلیس در سطح شهر به شهروندان برای گذراندن وقت بیشتری در خیابان‌ها، داشتن احساس امنیت بیشتر و در نتیجه افزایش نظارت طبیعی روحیه می‌دهد.

مسئله بعدی بررسی رابطه بین وضعیت تأهل، میزان تحصیلات افراد و میزان تجربه مزاحمت جنسی زنان است که خروجی تحلیل آماری رابطه معناداری را بین افراد متأهل و مجرد متصور نیست. بنابراین، می‌توان گفت که تجربه مزاحمت خیابانی در خانم‌ها ربطی به وضعیت تأهل و تحصیلات آن‌ها ندارد.

پیشنهادات

راه‌های پیشگیری و روش کیفری: پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی همان‌گونه که گفته شد، در حقوق ایران و سایر کشورهای دنیا، مزاحمت جنسی جرم انگاری شده و قابل تعقیب کیفری و مجازات است. حتی در کشور ما در راستای مقابله با این پدیده اجتماعی، در قالب برنامه‌هایی چون طرح مقابله با مزاحمین نوامیس و طرح امنیت اجتماعی، بیشترین تأکید بر روش کیفری بوده است. این در حالی است که با توجه به کثرت وقوع این جرم، خرد بودن و دشواری اثبات آن، برخورد کیفری نه کارآمدی لازمه را داشته و نه از دیدگاه هزینه-فایده مقرون به صرفه است. بر این

اساس، وضع ماده ۶۱۹ را نمی‌توان متضمن حمایت جامع و فراگیری نسبت به بزه دیدگان آسیب‌پذیر این جرم دانست.

البته، تسهیل فرایند رسیدگی کیفری و رفع بوروکراسی‌های اداری، می‌تواند به‌صورت نسبی فرایند شکایت و پیگیری آن را تسهیل نموده و موجب افزایش کارایی رویکرد کیفری گردد. در مسائل اجتماعی، هیچ پدیده‌ای صرفاً یک دلیل ندارد و همان‌گونه که دیدیم مجموعه‌ای از عوامل باعث تشدید این ناهنجاری و آسیب اجتماعی در جامعه امروز ایران شده است. راهبردهایی مثل تشدید مبارزه قانونی با مزاحمین نوامیس از اقدامات کوتاه‌مدتی است که ممکن است همچون یک مسکن به‌صورت مقطعی بر کاهش بروز این ناهنجاری کمک کند، اما این امر کافی نبوده و بایستی تمرکز بر زمینه‌های اجتماعی این معضل مانند تصحیح نگاه درباره جنس مخالف و آموزش رفتار صحیح در قبال جنس دیگر در میان‌مدت و بلندمدت، مدنظر قرار گیرد. تمرکز بر روش‌های دیگر پیشگیری مؤثرتر و کارآمدتر بوده و ابزاری مؤثرتر از قانون نیاز است و آن فرهنگ درستی است که از کودکی آموخته شود

روش غیر کیفری

مزاحمت جنسی رفتاری است که فرد آن را در میان انبوهی از زمینه‌های غریزی و تربیتی یاد گرفته و زمینه‌های اجتماعی، بستر آن را فراهم می‌کند. اگر کودک در محیط خانواده و اجتماع، چیزی جز تحقیر و سرزنش زن نبیند، نمی‌توان انتظار داشت در دوره جوانی برخوردی انسانی و محترمانه با جنس مؤنث داشته باشد. پسران باید در محیط خانواده و مدرسه بیاموزند که زن محترم است و کرامت ذاتی وی باید حفظ گردد. نکته جالب آن است که اگرچه زنان در محیط جامعه مورد مزاحمت مردان قرار می‌گیرند، اما به‌عنوان یک مادر در محیط خانواده به فرزندان خود احترام به زن و

حقوق وی را آموزش نمی‌دهند. روابط اجتماعی بایستی بر پایه حقوق و تکالیف متقابل شهروندان بنا نهاده شده و افراد یاد گیرند حریم یکدیگر را در نظر گرفته و محترم بشمارند.

تغییر و اصلاح نوع تفکر و نگاهی که نسبت به زنان وجود دارد و اصلاح فرهنگ جنسیتی که زنان را به‌عنوان شهروندان درجه دوم و یا سوژه‌ای جنسی جهت اطفای امیال جنسی مردان می‌بیند و توجه به کرامت ذاتی زن و قابلیت وی در نقش‌آفرینی فعال در امور اجتماعی، نیازمند عزم جدی و مشارکت فعال خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی است.

از سوی دیگر، پیشگیری از جرم مزاحمت نیازمند بهسازی فضای اجتماعی از طریق کاهش زمینه‌های ایجاد مزاحمت در مرتکبین است. بیکاری و بی‌برنامگی در اوقات فراغت، از جمله عوامل بروز بسیاری از رفتارهای نابهنجار و غیراجتماعی در جوانان است. وقتی روزانه شاهد عده زیادی از جوانانی هستیم که به‌صورت گروهی و بدون هیچ برنامه‌ای در حال گذران وقت و پرسه زدن در مراکز غیر تفریحی چون خیابان، فروشگاه‌ها و مراکز خرید هستند، این میزان بالای مزاحمت جنسی نیز غیرطبیعی و دور از انتظار نخواهد بود. ایجاد و توسعه فضاهای فرهنگی و ورزشی جهت تخلیه انرژی جوانان و سوق دادن آن‌ها از پرسه زدن در خیابان‌ها و فروشگاه‌ها به سمت چنین محیط‌هایی، نقش عمده‌ای در کاهش مزاحمت‌های خیابانی خواهد داشت.

علاوه بر موارد گفته شده در بالا می‌توان توصیه‌های زیر را نیز عنوان نمود:

- آموزش‌های تربیتی و مذهبی نه به‌عنوان عوامل سرکوب‌کننده نیازهای جوانان، بلکه به‌عنوان هدایت‌کننده و آرامش‌بخش روانی می‌تواند در تعادل رفتاری ایشان مؤثر واقع گردد

- رسانه‌ها از ابزارهای ساختاری ارتباطی در جامعه می‌باشند و می‌توانند عناصر مالی و معنوی را به هم پیوند بزنند. رسانه‌ها می‌توانند با آموزش عنوان‌های مجرمانه و قابل پیگرد بودن رفتارهای مزاحمین به شهروندان آموزش دهند.
- رسانه‌ها و نهادهایی آموزشی بایستی برای کمرنگ کردن کلیشه‌های جنسیتی که همواره زنان را به سکوت فرا می‌خوانند و اعتراض آن‌ها را حتی زمانی که حقی از آنان ضایع شده، نشانه‌ای از عدم متانت و وقار آن‌ها می‌دانند، تلاش کنند.
- آموزش نحوه مواجهه و واکنش نسبت به مزاحمت می‌تواند در پیشگیری از واکنش‌های پرخاشگرانه و نیز اتخاذ اقدامات حمایتی مناسب برای بزه دیدگان مؤثر باشد.
- تهیه برنامه‌های آموزشی جهت ارتقای دانش جنسیتی افراد و آموزش نحوه تعامل صحیح زن و مرد و اصلاح نگرش‌ها و طرز تلقی‌های منفی دو جنس نسبت به یکدیگر، نیز از دیگر رویکردهایی است که به‌خصوص بایستی از طرف سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حقوق زنان و رسانه‌ها دنبال شود.

منابع

- ابوذری، مهرانوش (۱۳۸۹): سال چهارم، شماره ۳۷، ص ۷۰) جرمی به نام مزاحمت برای بانوان، احمدی، حبیب (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، نشر سمت: چاپ اول
- باباخانی، فرهاد (۱۳۸۹): «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت با تأکید بر نقش پلیس، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، تهران: معاونت اجتماع ناجا
- بار، ویون (۱۳۸۳)، جنسیت و روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حبیب احمدی و بیتا شایق، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۴)، مزاحمت جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف، تهران: آرشو سازمان ملی جوانان.

روشه، گی (۱۳۷۹)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجان یزاده، مشهد: دانشگاه فردوسی ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۴). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران، آوای نور سحابی جلیل، عین فیضی و جمیل صمدی بگه جان (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج» پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۵۵-۱۸۲

صادقی، سهیلا (۱۳۸۸) بررسی تصور زنان نسبت به خشونت‌های خانگی علیه آنان، از مجموع پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران
کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، چاپ اول

کوزر، لیوئیس، (۱۳۷۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
محسنی تبریزی، علیرضا، سهراب قهرمانی، و سجاد یاهک «فضاهای بی دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی فضاهای بی دفاع شهر تهران). جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۴، زمستان، ص ۵۱

محسنی، منوچهر (۱۳۶۶)، جامعه شناسی عمومی، چاپ هشتم، تهران: کتابخانه طهوری
میرحسینی، زهرا (۱۳۸۷) بررسی جامعه شناختی علل و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
نشریه اینترنتی زنستان (۱۳۸۵)، آماری از خشونت خیابانی در تهران، شماره ۱۶
نوید نیا، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم

Christmann, Cris &Michelle, Rogerson. (۲۰۰۴) Crime, Fear of Crime and Qualitof Life Identifying and Responding to Problems, Sheffield Hallam University

Crowell, N and Burgess, A.W(۶۹۹۶) understanding violence against women, Washington DC, National academy press.

Giddens, Anthony (۲۰۰۱) Sociology, with the assistance of Karen Birdsall, Editorial office: Polity Press in ۲۰۰۱, Reprinted ۲۰۰۲, ۳۰۰۳, ۴۰۰۴ Cambridge: polity(publisher).